

# قدیمی ترین حمام تهران با ۴۶۵ سال قدمت

سید جمال نیکوقدم

□ سرزده داخل مشو می‌کده حمام نیست

حرمت پیر مغان بر همه کس واجب است  
حمام قبله که قبلاً حمام خانم نامیده می‌شد، در تهران خیابان ری، بازارچه‌ی نایب‌السلطنه در اوایل حکومت صفویه (۹۶۵ ه.ق) ساخته شده از آن تاریخ تاکنون منظم‌اً دایر می‌باشد. این حمام به دستور خواهر شاه تهماسب صفوی بنا گردیده و به همین جهت «حمام خانم» نامیده می‌شد، ولی چون آقایان کراحت داشتند به حمامی بروند که به نام خانم نامیده می‌شود به حمام قبله تغییر نام داد و اسم جدید به این علت وضع شد که در حمام روبه قبله است. این حمام نه این که قدیمی‌ترین حمام تهران می‌باشد بلکه قدیمی‌ترین ساختمانی است که از ۴۶۵ سال قبل در تهران ساخته شده و با وصف کاربرد آن که با آب و فاضلاب درگیر است، همچنان پابرجاست. اگر سراینده‌ی شعر «می‌کده، حمام نیست»، امروز بود شاید برای این حمام تخفیف قایل می‌شد و این دیر کهن را مسمول حرمت قرار می‌داد، ولی مردم که چنین وقعی قایل نیستند و همچنان سرزده وارد می‌شوند و دولت‌ها هم چون مردم بی‌اعتنا به این گنجینه‌ی تاریخی، تنها کاری که توسط دولت‌های وقت انجام گرفته، کاشی نوشته‌ی بی‌ست با این عبارت:

«ان الله يحب التوابین و يحب المتطهرین»

این بنا بعد از تکمیل اولین باروی شهر (دروازه دولاب) تهران در حدود سنه‌ی ۹۶۵ ه.ق. به دستور خواهر شاه تهماسب صفوی بنا شد و در سال ۱۲۷۵ مرحوم حاج محمد قزوینی آن را وقف سیدالشهدا (ع) نمود و در ۸۲/۷/۱ به شماره‌ی ۱۰۴۱۱ در فهرست آثار تاریخی ملی ایران ثبت گردید.

(سازمان زیباسازی شهر تهران - یکصدمین سال تاسیس بلدیة تهران)

با توجه به آخرین تاریخ مندرج در این کاشی نوشته عبارت یکصدمین سال تاسیس بلدیة تهران چندان مفهوم نیست و تابلوی فلزی دیگری در کنار در حمام نصب شده که در آن چنین نوشته شده: این بنا که بانی آن شاه تهماسب صفوی بوده از جمله یادگارهای به جای مانده از دوران صفوی در سال (۵۶۵ ه.ق.) می‌باشد (تاریخ اشتباه نوشته شده صحیح آن ۹۶۵ ه.ق. می‌باشد) که به دستور خواهر شاه تهماسب صفوی در بازارچه‌ی نایب‌السلطنه احداث گردیده است. مساحت بنا ۲۰۰ مترمربع و زیربنای آن ۷۰ مترمربع می‌باشد.

این حمام سابقاً دارای دو بخش زنانه و مردانه بوده که تمام فضاهای مردانه در زیرزمین واقع شده و بام آن هم سطح معابر مجاور است. ورودی سردر قدیم کاشیکاری شده بود که جداره‌ی قدیمی ورودی در زیر بستر جداره‌ی جدید واقع شده. گرمخانه، بافت سنتی خود را حفظ نموده و چشمه‌ها توسط عرق چین با خیز کند پوشش شده‌اند. آتش‌دان نیز در قسمت شمالی پشت بام واقع و به صورت اولیه باقی مانده است.

## تاریخ تکوین شهر تهران

شاه تهماسب پس از درگذشت پدرش شاه اسماعیل صفوی، به پادشاهی رسید و پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل کرد. این پادشاه خوش‌شانس که توانست ۵۴ سال سلطنت نماید (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق) و بیش‌تر اوقاتش را در حمام صرف غسل و طهارت و اجابت و سواسی که داشت می‌کرد و موهبت سلطنت و ولایت را از پدرش به ارث برده بود، او کم‌کم به این باور رسید که موهبت سومی هم خداوند نصیبش کرده که مورد غفلت است و آن سیادت می‌باشد. اطرافیان‌ش که او را مرشد کامل و صوفی اعظم می‌پنداشتند، به فکر

چاره افتادند و با نقل یکی دو تا خواب و رویا و نقل دو سه روایت از جدش شیخ صفی او را سید و از تبار امامزاده حمزه پسر موسی ابن جعفر مدفون در شهر ری معرفی کردند و برایش شجره‌نامه‌یی تدوین کرده و به امر او آن را در کتاب **صفوةالصفاء** گنجانند (این کتب قبلاً نوشته شده بود) و این در حالی بود که اجدادش از شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا شیخ جنید و شیخ حیدر که سجاده‌نشینان نافذالکلمه بودند، هیچ وقت از سیادت خود حرفی زده بودند و پدرش شاه اسماعیل که بنیان‌گذار مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی در مملکت بود. در هیچ یک از آثار خود اشاره به سیادت نکرده و حتی در کاشی نوشته مسجد جامع ساوه که انواع القاب مظنن به او داده شده از سیادت او حرفی زده نشده است.



در پی این اقدام، خواهر شاه تهماسب، در حوالی دروازه دولاب به عنوان اولین بنا مدرسه و حمامی ساخت که حمام آن هنوز پابرجاست. برحسب روایت‌های شفاهی و نقل شده‌ی سینه به سینه، در درگاه حمام و در سرپینه‌ی آن کاشی‌های زیبای عصر صفوی به کار رفته که در ترمیم‌های بعدی زیر نقابی از سیمان مدفون شده است. تنها جاذبه‌یی که از قدیم به جامانده، دو صفه (جایگاه) شاه‌نشین و سادات‌نشین در سرپینه‌ی دو طرف در گرم‌خانه می‌باشد و نیز سقف چند گنبدی داخل گرم‌خانه که با ابهت خاصی چشم بیننده را خیره می‌کند و بعید نیست در همین نقطه، نطفه‌ی شهر تهران بسته شده باشد. شاه عباس صفوی با ایجاد چهارباغی مشابه چهارباغ اصفهان به تهران اعتبار افزونی بخشید. بعد از صفویه نادرشاه افشار به اعتبار اهمیت سوق‌الجیشی آن حکومت تهران را به فرزند ارشدش رضاقلی میرزا واگذار کرد. در تهران در زمان کریم‌خان زند در محل ارگ، ایوان و حرمسرای سلطنتی ساخته شد و بالاخره در زمان آغامحمدخان قاجار پایتخت کشور گردید (۱۲۱۰ ه.ق) و به این ترتیب در دامنه‌ی جبال البرز و زیستگاه دیو شاهنامه، دیو خاکستری سر از زمین برون کرد و به آسمان سائید که آن را ابرشهر تهران می‌نامند. در پایان لازم است مسؤولین شهری و میراث فرهنگی در حفاظت از این بنای فخیم اولاً آن را تعطیل کنند تا از تخریب بیش‌تر آن جلوگیری شود. ثانیاً با کار کارشناسانه به جست‌وجوی کاشی‌هایی که احتمالاً مستور شده است، بپردازند. ■

### منابع

- ۱- تهران، ج ۱، دکتر ناصر تکمیل همایون
- ۲- روزگاران، دکتر عبدالحسین زرین کوب
- ۳- تاریخ ایران زمین، دکتر محمدجواد مشکور
- ۴- اهل محله‌ی بازارچه‌ی نائب‌السلطنه

**از رباعیات امین به سبک فضولی‌نامه‌اش**

**از رانت‌خوری و دزدی و شیادی**

**گردیده خراب پایه‌ی آبادی**

**تقسیم شده است خاک و دریا این‌جا**

**سهم من و توست یک قفس! آزادی!!**

مرشد کامل (= شاه تهماسب) برای تثبیت سیادت در طول مدت دراز سلطنتش هرازگاهی از قزوین به قصد زیارت قبر جدش حمزه ابن موسی ابن جعفر (ع) به شهر ری سفر می‌کرد. در این سفرهای زیارتی قریه‌ی تهران که در نزدیکی ری بود و از طراوت و صفای وافری بهره داشت، نظر شاه را جلب می‌کرد. به طوری که دستور داد آن‌جا را به شهر نظامی تبدیل کنند و اطرافش را خندق کنده و بارو کشیدند و ۱۱۴ برج دیده‌بانی به تعداد سوره‌های قرآن مجید در پیرامون آن ساخته و ۴ دروازه که هم اکنون نام آن‌ها در زبان‌هاست، برای آن ساختند.

دروازه قزوین در غرب، دروازه شمیران در شمال، دروازه دولاب در شرق و دروازه عبدالعظیم (دروازه غار) در جنوب.